



شاید مهم‌ترین ویژگی مرحوم دکتر افروغ همین وجه انتقادی بود که کاملاً در چارچوب اعتقاد به اصل نظام و دلبستگی به امام (ع) و رهبری قرار داشت. کسانی که حتی اندکی ایشان را می‌شناسند می‌دانند که با تمام وجود و از عمق جان باورهای ریشه‌دار انقلابی داشت و به مرحوم امام خمینی (ره) عشق می‌ورزید و نسبت به مقام رهبری تسلیم و پذیرش اعتقادی روشن داشت، اما در عین حال یک فرد چشم و گوش بسته و عافیت طلب نبود بلکه مواضع اعتقادی خود را با صراحت و شفافیت بیان می‌کرد.

داشت اما از قدرت کناره گرفت. چه چیزی باعث این کناره‌گیری شد؟

در روزنوشت‌های همان کتاب به‌طور مفصل و بارها این مسئله را شرح داده‌اند و نه تنها موقعیت و جایگاه مجلس بلکه عضویت هیأت علمی دانشگاه را هم رها می‌کنند شاید یکی از مهم‌ترین دلایل نوعی دغدغه سلوکی شخصی و احوالات روحی و مسائل فردی معنوی باشد که ایشان را به یک انزوای خودخواسته کشاند. ایشان در نوشتن این یادداشت‌ها به کتاب «گنجینه خواف» و نوشته‌های شهید مدرس در محل تبعید ارجاع می‌دهند و در برخی اشارات دیگرشان به خوبی هم این نکته مشهود است که مناجات‌هایی عارفانه را ثبت کرده‌اند که گویی تلاش برای رها شدن از تعلق‌ها و قدم گذاشتن در مسیری معنوی و معرفتی است که البته به هیچ وجه از زندگی طبیعی و فضای اجتماعی جدانیست اما نوعی آرمان‌گرایی اصیل انقلابی در آن مشهود است.

گفت و گو و نگاه انتقادی در مسائل مختلف کشور بارها از سوی مرحوم افروغ مطرح شد. نگاه انتقادی او به مسائل چه ویژگی متمایزی داشت؟

شاید مهم‌ترین ویژگی مرحوم دکتر افروغ همین وجه انتقادی بود که کاملاً در چارچوب اعتقاد به اصل نظام و دلبستگی به امام و رهبری قرار داشت. کسانی که حتی اندکی ایشان را می‌شناسند می‌دانند که با تمام وجود و از عمق جان باورهای ریشه‌دار انقلابی داشت و به امام خمینی (ره) عشق می‌ورزید و نسبت به مقام رهبری تسلیم و پذیرش اعتقادی روشن داشت، اما در عین حال یک فرد چشم و گوش بسته و عافیت طلب نبود بلکه مواضع اعتقادی خود را با صراحت و شفافیت بیان می‌کرد و رویه‌اش نیز کاملاً اعتدالی و غیر جناحی بود. این رویکرد یعنی انتقاد زیر سقف مصالح عمومی و آرمان‌های انقلابی به‌نظر مهم‌ترین نیاز این روزهای ماست چون یک نقطه متین و معقول در میان دو جریان افراطی و تفریطی شکل می‌دهد. نه مثل برخی یکسره که با چشم بسته پیشرفت‌ها و نکات مثبت را نادیده بگیرند و انتقاد به اصل نظام کنند که دشمن بتواند از موضع او بهره بگیرد و نه مثل برخی از این طرف بیفتند و هیچ ایراد و انتقادی را بر نتابند و همه مشکلات را توجیه کنند و طوری بنسود که مردم مخصوصاً نسل جوان و دانشگاهی احساس کنند که منطبق و اعتدالی در مواضع او نیست.

برای همین رویکرد متعادل و متین ایشان در انتقاد درون‌گفتمانی بسیار راهگشا و قابل دفاع بود و شاید به همین جهت هم هیچ‌کس حتی مخالفان ایشان نمی‌توانستند این اصالت و ریشه‌دار بودن را نادیده بگیرند و متکرر شوند.

حقوق شهروندی و عدالت



نویسنده: عماد افروغ
ناشر: سوره مهر

«حقوق شهروندی و عدالت» کتابی نوشته استاد عماد افروغ است که به موضوع حقوق شهروندی، عدالت در رعایت حقوق و مفهوم جامعه مدنی می‌پردازد. در اثر حاضر نخست به جامع‌ترین بحث حقوق انسانی یعنی حقوق شهروندی و شاخه‌های مختلف فردی، گروهی و اجتماعی آن در عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و چالش‌های آن پرداخته شده است. بحث آزادی و مناقشات آن، نیز نظر به‌های مربوط به آزادی در ادامه فراهم آمده است. مبحث بعدی کتاب مربوط به جامعه مدنی و ویژگی‌ها و موقعیت آن در کشور با توجه به زمینه‌های فرهنگی تاریخی آن است.

انقلاب اسلامی و مبانی باز تولید آن



نویسنده: عماد افروغ
ناشر: سوره مهر

«انقلاب اسلامی و مبانی باز تولید آن» در قالب ۱۳ گفتار به موضوع انقلاب اسلامی و مبانی آن می‌پردازد. ۲ گفتار اول به‌طور عمده ناظر به آسیب‌شناسی و ضرورت، ارکان و مبانی نقد جمهوری اسلامی به منظور باز تولید انقلاب اسلامی است. فصل‌های سوم تا پنجم معطوف به ارائه تبیینی علی و فلسفی بر اساس روش‌شناسی رئالیسم از انقلاب اسلامی است. در نیمه دوم کتاب با محوریت اندیشه سیاسی امام (ره) نکاتی ذکر شده است. فصل‌های دهم و یازدهم اشاره به برخی دستاوردها و ضعف‌ها دارد و در نهایت در قالب فصل‌های دوازدهم و سیزدهم به دو بسط فکری و اجتماعی انقلاب اسلامی اشاره شده است.

گفت‌وگو

چشم و گوش بسته و عافیت طلب نبود

محمدرضا زائری از فریادهای خاموش جامعه‌شناس سیاستمدار به همت هشتاد و نهمین ماه می‌گوید

«حتی مخالفان ایشان نمی‌توانستند اصالت و ریشه‌دار بودن او را نادیده بگیرند.» این جمله‌ای است که حجت‌الاسلام محمدرضا زائری گفت و گو درباره مرحوم عماد افروغ را با آن به پایان می‌رساند. زائری که خود مثل افروغ استاد دانشگاه است، شناخت دقیقی از وجه شخصیتی او دارد و به نکات کمتر شنیده شده‌ای از مشخصات فکری و شخصی مرحوم افروغ اشاره می‌کند. زائری با اشاره به کتاب ۷ جلدی «فریادهای خاموش: روزنگاشت تنهایی» که شرح زندگی مرحوم افروغ به قلم خود اوست به سوالات هشتاد و نهمین ماه پاسخ می‌دهد؛ اینکه چرا مرحوم افروغ به راحتی به نمایندگی مجلس و حتی جایگاه دانشگاهی خود پشت پا زد اما رویکرد اصولی و انتقادی‌اش را تغییر نداد. در ادامه مشروح گفت‌وگو با «حجت‌الاسلام محمدرضا زائری» نویسنده و استاد دانشگاه را می‌خوانید.



مرحوم افروغ از وجوه مختلف سیاستمدار کم‌نظیری بود. چرا که مورد وثوق همه طیف‌ها و گروه‌ها قرار داشت و این موضوع پس از مرگ او نیز ظهور و بروز پیدا کرد. او چه کرد که اینگونه در میان همه طیف‌ها جامعیت پیدا کرد؟ اصولاً کنش‌های اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی مرحوم دکتر عماد افروغ خاستگاه جناحی و حزبی نداشت و گرچه در جایگاه نماینده مجلس هم قرار گرفت اما باین حال می‌شود گفت که حتی شخصیت سیاسی هم نداشت و در واقع جنبه غالب در شخصیت او همان وجه فرهنگی و فکری بود و در مجلس هم ریاست کمیسیون فرهنگی را بر عهده گرفت که دوران درخشانی بود. در آنجا هم باز نگاه فلسفی و اجتماعی و فرهنگی داشت و به‌عنوان یک استاد دانشگاه و متفکر در پی انجام وظیفه بود، چنان که در سال‌های قبل از آن هم این خصوصیت در کارنامه زندگی ایشان دیده می‌شود که اصولاً برای ادای وظیفه و تکلیف و تعهدی که بر حسب وجدان خود احساس می‌کرد به میدان می‌آمد چنان که موقعیت ممتاز تحصیل در انگلستان را به‌خاطر مبارزه با رژیم شاهنشاهی رها کرد و به زندان افتاد و بعد هم که به ایران آمد در دوران دفاع مقدس به جبهه رفت و در مراحل مختلف زندگی ایشان همین خصوصیت دیده می‌شود یعنی حتی وقتی شب عاشورا در حسینیه یک روستا به نوحه‌خوانی می‌پردازد باز همان شخصیت در رفتار و احوال او دیده می‌شود و از این جهت خداوند هم این صفا و صداقت و باطن زلال او را در دل‌های دیگران بازتاب می‌داد و همه از طیف‌های مختلف او را محترم می‌داشتند و مورد قبول و پذیرش عمومی بود.

مرحوم افروغ به دلیل پشتوانه علمی و جامعه‌شناختی، چارچوب ذهنی منسجمی نسبت به مسائل مختلف داشت. این چارچوب منسجم و پشتوانه علمی چه تأثیری بر تحلیل‌ها و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی او داشت؟

اگر ۷ جلد کتاب «فریادهای خاموش: روزنگاشت تنهایی» ایشان را که روزنوشت‌های زندگی ایشان در سال‌های اخیر است ورق بزنیم به خوبی پاسخ این سؤال را در می‌یابیم. ایشان در لحظه لحظه زندگی در حال تطبیق فهم عمیق علمی و تشخیص فکری خود بر واقعیت‌های میدانی و رویدادهایی بود که در متن آنها قرار می‌گرفت. معتقدم که این ۷ جلد بیش از آنکه در نگاه اول به‌نظر می‌رسد اهمیت دارد و می‌تواند علاوه بر معرفی دقیق زوایای مختلف شخصیت آن مرحوم تصویری روشن هم از فضای سال‌های اخیر به‌دست دهد. در آنجا به خوبی مشاهده می‌کنیم که اندیشیدن، نقطه مرکزی زندگی ایشان است تا جایی که می‌گوید دوست دارم روی سنگ قبرم هم این را بنویسند!

یعنی مسئله و دغدغه جاری در زندگی ایشان تحلیل و بازشناسی قوانین و سنت‌های اجتماعی در رویدادهای مختلف است و در همان حال که مشغول کار خودش بوده از تدریس در دانشگاه و راهنمایی پایان‌نامه دانشجویان تا موضوعات خانوادگی و زندگی در روستای لفور، باز هم به‌صورت مستمر درگیر آرا و اندیشه‌های متفکرین جامعه‌شناس و مطالعه کتاب‌های جدید و تألیف و ترجمه است و حتی در گفت‌وگوهای خانوادگی با همسر فاضل‌شان هم باز دائم بحث‌های علمی جامعه‌شناسانه هست. این رویکرد باعث می‌شد که تفاوتی میان فضای آکادمیک کار علمی ایشان و زندگی روزمره ایشان نباشد و نگاه علمی و فهم علمی ایشان در همه ابعاد زندگی‌شان برای حل مسائل جامعه‌جریان پیدا کند.

آقای افروغ سابقه نمایندگی مجلس را